

IDW

جلد
۱۲

کاور
A

سونیک

جوچہ تیغی



فلین . یاردلی . استنلی . هرمز . م. قلی زاده

SEGA®

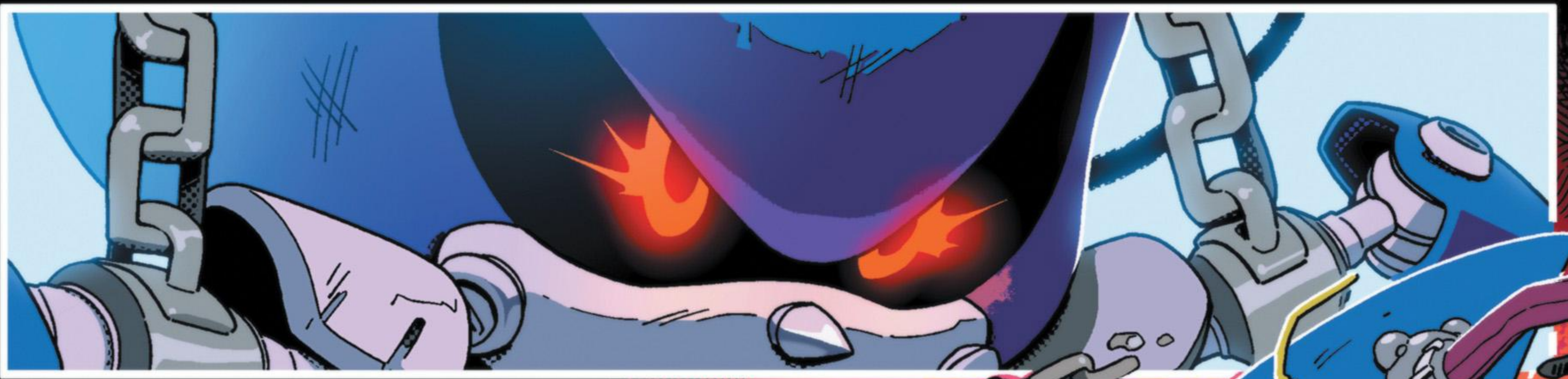
اوکی، من
آسیبش از نبرد مون رو
تأیید کردم. نبود زمره بزرگ
متال سونیک رو به حالت و
مهارت‌های اصلیش
برگردونده.

من آفرین تعمیرات
لازم رو تموم کردم.
تو مطمئنی می‌توای این
کار رو بکنی؟

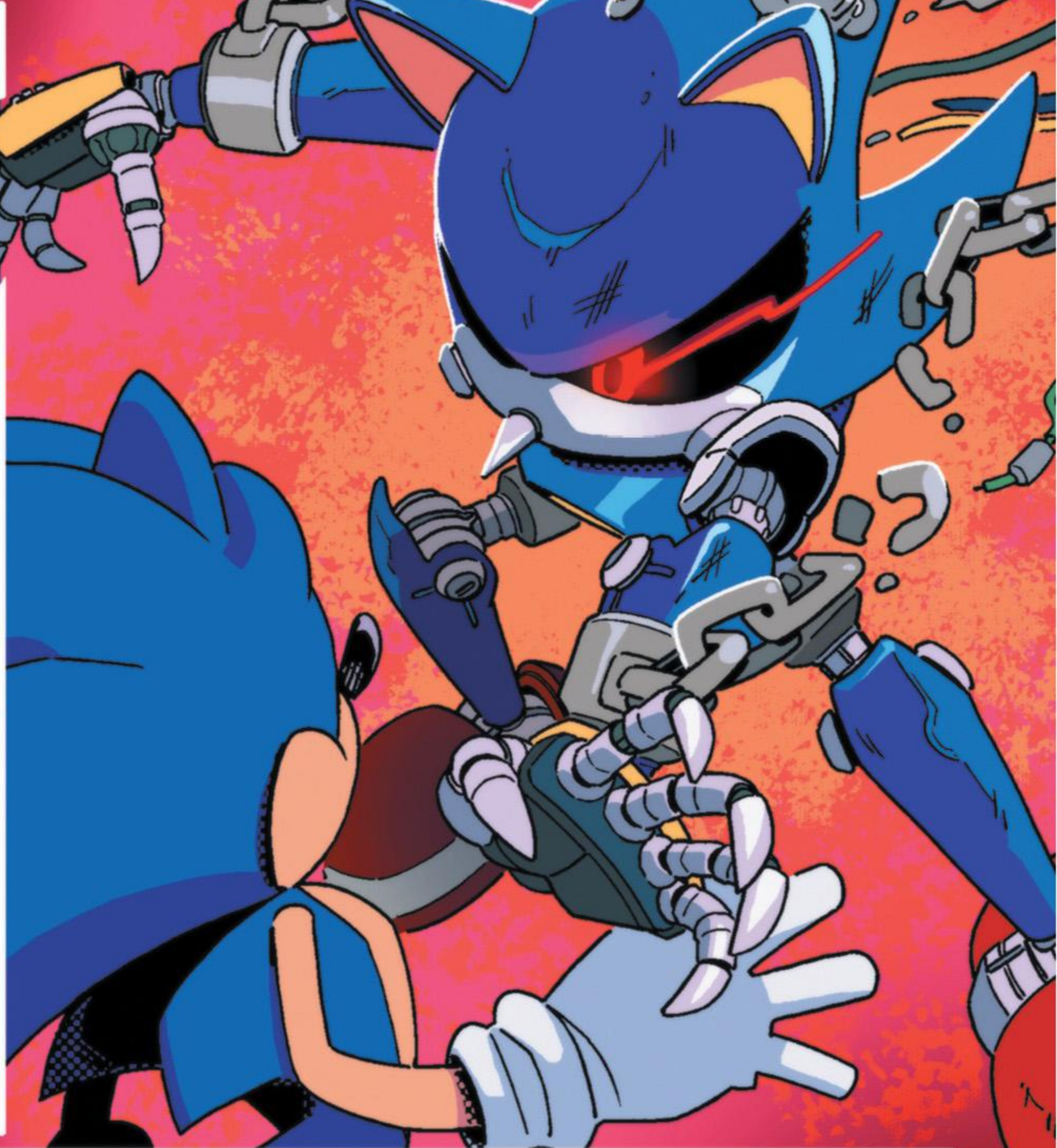
مطمئنم.
پیدا شو
متال
سونیک.

اون قرار
نیست خوشحال باشه
از این بابت.

امتملاً.
ولی فکر کنم شانس
با ما یار باشه.



صبح عالی
متعالی! سفت
نگیر، تو-



داشتم می گفتم: سفت نگیر.
تیلز بدترین آسیب ها رو تعمیر
کرده، ولی تو وضعیتی نیستی
که بهنگی.

ما دلسوزیم،
نه اهمق.

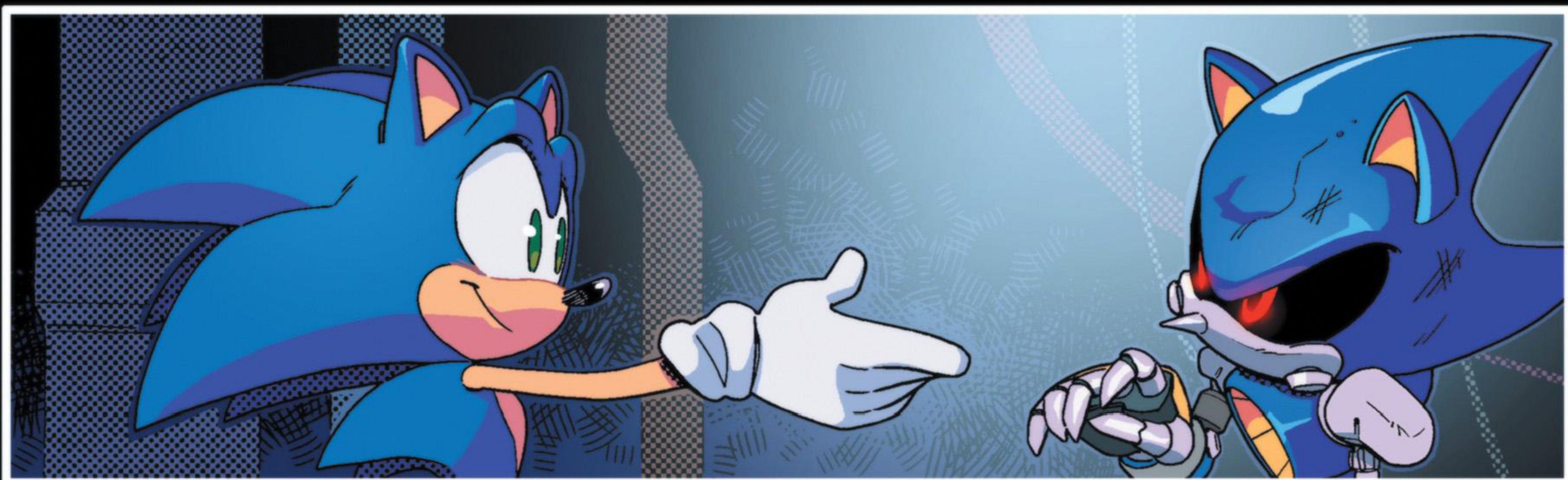


دیگه تمومه، مرد. اگمن کارش تمومه، و
تو به اون دیگه هیچ دینی نداری. تو حالا
یه فرصت داری که زندگی خودتو بلکنی.
آقای خودت باش.

هالا روبات
یا هرچی.



واسه خودمون ازت نمی خوایم که باهامون
رفیق شیش باشی. اصلا می تونی بری اون
سر دنیا زندگی کنی، برام مهم نیست. ولی
مداخل می تونیم آتش بس کنیم؟ یه
فرصت بدیم برای صلح؟



در همین حین...

نمی فهمم.
سه جلسه گذشته و هنوز
فاغظه اش برنگشته.

با جلب شدن
نظرش به دستگاه های
قدیمیش شروع کرد...

...ولی نه
شفهیت
قدیمیش.



وقتی ما رو از زندون فراری دادی،
قرار این بود که آگمن رو برات بپاریم،
و بعد اون برامون سلاح بسازه!

دیگه زیادی طول
کشید، دکی!



ما به په سلاح درست حسابی قوی نیاز
داریم آله قراره انتقاممون رو از سونیک
بگیریم.

ز-نه که نیاز
داشته باشیمش.
ما همینفوریش هم
کردن کلفتیم.

درسته.
این فقط برای...
آه... زیاده روی
هست.

آره! نمک به زخم
پاشیدن! اونم په
عالمه زخم!





آقایون!

و از این لفظ
الکی استفاده
می‌کنم.

من شفہیت
آگمن رو برمی‌گردونم،
و شما تسلیحات و
انتقامتون رو می‌گیرید.

شاید اون
فقط به یه پور و کنش
رومی یا روانی نیاز
داره تا برگرده به خود
قدیمیش؟

!logg! logg!
من می‌دونم
نظرتون چیه
ما رو تهدید
کنید، رییس؟

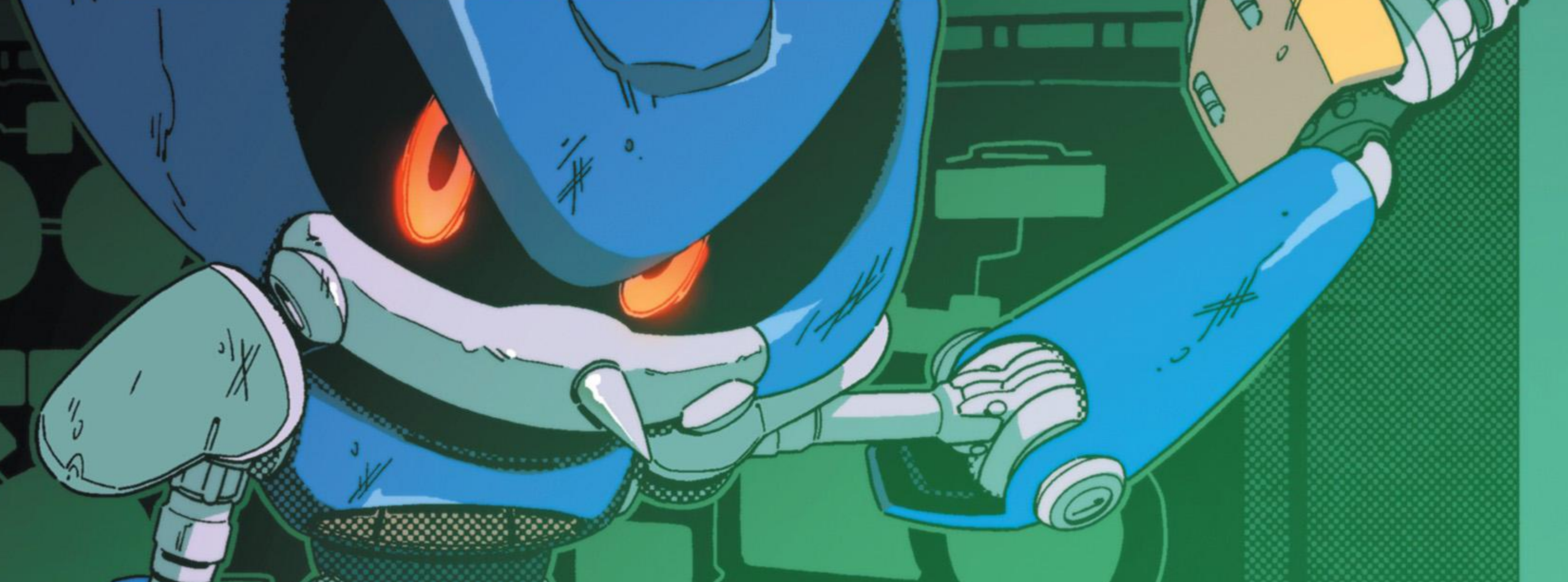
هیچی تنها رو
خونشال نمی‌کنه
اندازه وقتی که ما
رو تهدید به اوراق
کردن می‌کنید!

یا
نناید دوست دانسته
باتنید که یه لیست از
موجودات باستانی که
دوست دارید زدننون کنید
و بعد کنترلشون رو از دست
بدید رو یه نگاه بندازید؟

پپور هیولایی
فاخر شد شما رو با
احساسات برنامه‌نویسی‌کنه
و بعد اون رو فرستاد
کنه؟! نه، من حسابی ازتون
مراقبت می‌کنم!

من
گیج نیستم.
این یه تهدیده؟
اونقدر ترسناک
به نظر نمی‌رسید.

تو مطمئنی
که می‌خوای
رییس قبلی
برگرده؟





اوه، طفلکی!
همینجا وایستا! الان
تو رو سه سوته
تعمیر-



آزمایش میدانی شده
و مبارزاتی تقویت
شده!
تو بهترین
سافته‌ی من
هستی، متال
سونیک!



اون نمی‌تونه یه
کار هنری رو تشفیص
بده آله تو صورتت
مشت فورده باشه!

تو هم به
صورت مشت
زدی، آره؟

اون سونیک به
چه چرنت بهت
آسیب زده!

آخرین گل پسرا





من کی اومدم اینجا؟ شماها کی هستید؟ و کی همپین چیزی رو تم کرده؟!

بالاخره!

آه، خب. همینقدر هم که گذشت خوب بود.



لطفاً اجازه بدید خودمو معرفی کنم، قربان.

من دکتر استارلاین هستم، یک روح هم سرشت و تهمین کننده بزرگ کار شما.

همف. فوبه حداقل بات رو می دونی.



تو- به فرقات ادامه بده. مثالاً بدو برو روی میز تا بتونم تعمیر بکنمت!

اوربات! کیوبات! برام یه دست لباس درست حسابی بیارید!



درباره اون، قربان. شما حافظه تون رو از دست دادید- کل شخصیتون رو- بعد از آفرین نبرد تون با سونیک و مقاومت.

آه-هه. اون تنظیم کننده پنج ماژولی رو رد کن بیاد.

به روی چشم!



شما سر از یه روستای کوهی دور افتاده در آوردید. با استفاده از روش های منحصر به فرد خودم، شما رو پیدا کردم و به دستیارام سپردم تا شما رو نجات بدن.

چه دستیارهایی؟



تاهیلیما - اف و

اینم از اشاره‌ی ما!
 بهتره به خاک بیفتید!
 شما شاهد چربه‌ی -



همیشه اون کارو می‌کنن؟

متأسفانه. ولی اونا فشن، امق، و از سونیک منتفر هستن. نوچه‌های ممبرخی عالی‌ای هستن برای شما، قربان.



اوه-هو-هوا از اون جوچه تیغی بدتون میار، آره؟

نظرتون چیه شما رو با چندتا دستگاه مفرّب لذت بخش مجهز کنیم و بغرستمون سراغ اون موش کثیف؟



حالا شد یه چیزى!

فقط ۴ و دستگاها رو بدید بهمون، دکی! بقیه‌اش با خودمون!



بهره‌ه نامیدم نگیرید!

گروه قبلی که استفدام کردم زیاد دربرابر سونیک و شدو دووم نیاوردن!



فقط به سوال
دیگه و از همه چیز
فیردار میشم. بطور منو به
خود باشکوه و نابغه ام
برگردوندی؟

بنده از
مدرک های عصبی و
فواپ درمانی استفاده کردم
که خود سابقتون رو
برگردونم.

برای آوردنتون
به اینجا هم از قدرت
زیربهد انهراف
کردم.



با پی پی
آوردی؟

زیربهد انهراف.
یک گوهر خاص که زندگی
کاریم رو صرف تحقیق
در باره اش کردم.



اون مثل زمرد های آشوب نیست. اونا قدرتشون
پر آشوب هست، و می تونن تغییر کنن با توجه به
موقعیت یا استفادشون.

نه، زیربهد انهراف
می تونه فضا رو منصرف کنه
تا راهی به پاهای دیگه بسازه،
با این فرض که منبع قدرتی داره.



مممم...
سفت رد می کنم.
به اندازه کافی سنگ های
جادویی چدید دیدم.

"هه" فکر
می کردم ممکنه
اینو بگیرد.

به همین دلیل وقتم
رو گذاشتم که چیزی رو پیدا
کنم که بیشتر باهاش آشنا بید.



اینارو به عنوان تقاضای
کارآموزیم بپذیرید.

اوه-هو-هو
به عرشه فوش اومدی،
استارلاین! تا الان بهترین
نوپه ی من بودی!

بعدتر...

یو، ناکس!
همین الان یه چند
دور دور بجزیره زد۴.

همه چیز سالم
به نظر میرسه!



تیلز گفتش می تونه ناو جنگی ای
که زد به ارباب اعظم رو دوباره
راه بندازه، پس هممون
برمی گردیم به مقر اصلی مقاومت.
تو هم میای؟

ناه. این وظیفه ی
منه که از زمرد بزرگ
مماظت کنم. من
همینجا می مونم.

درس می زد۴
اینو بگی. با این حال،
پیشنهاد سرچاشه.

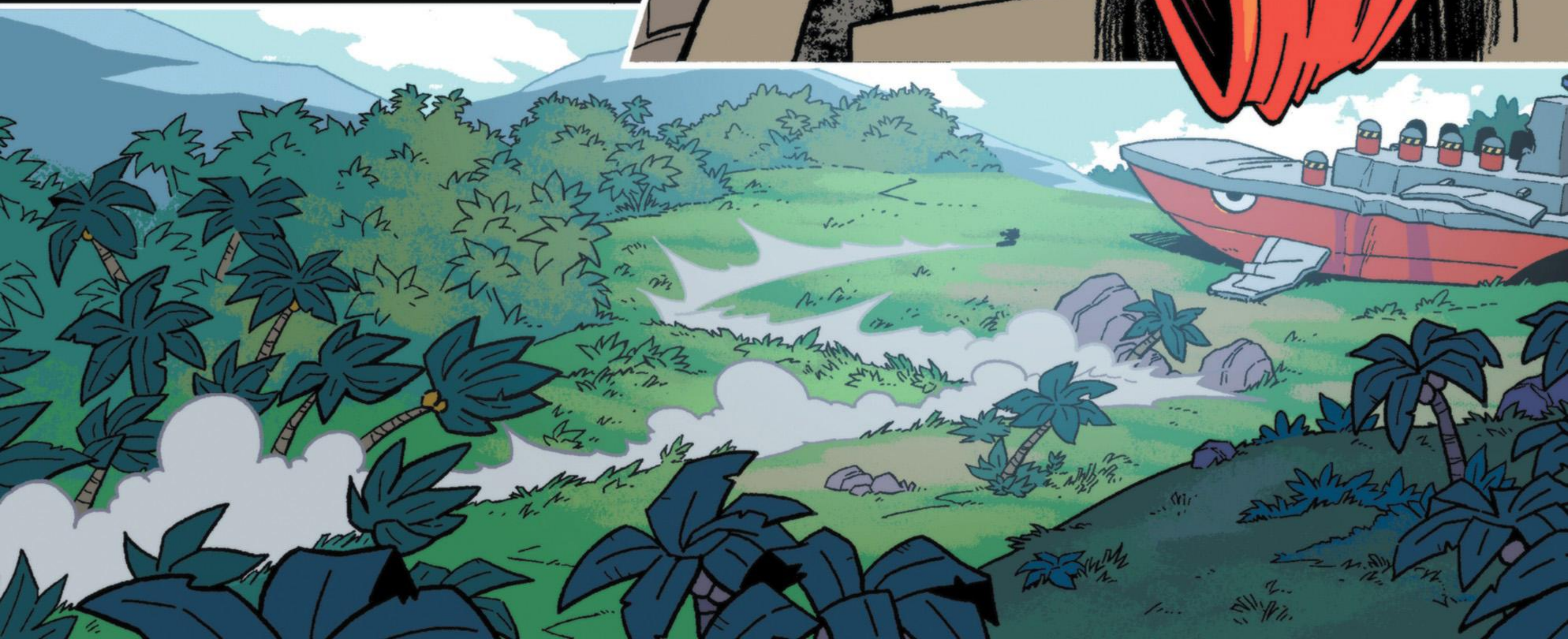
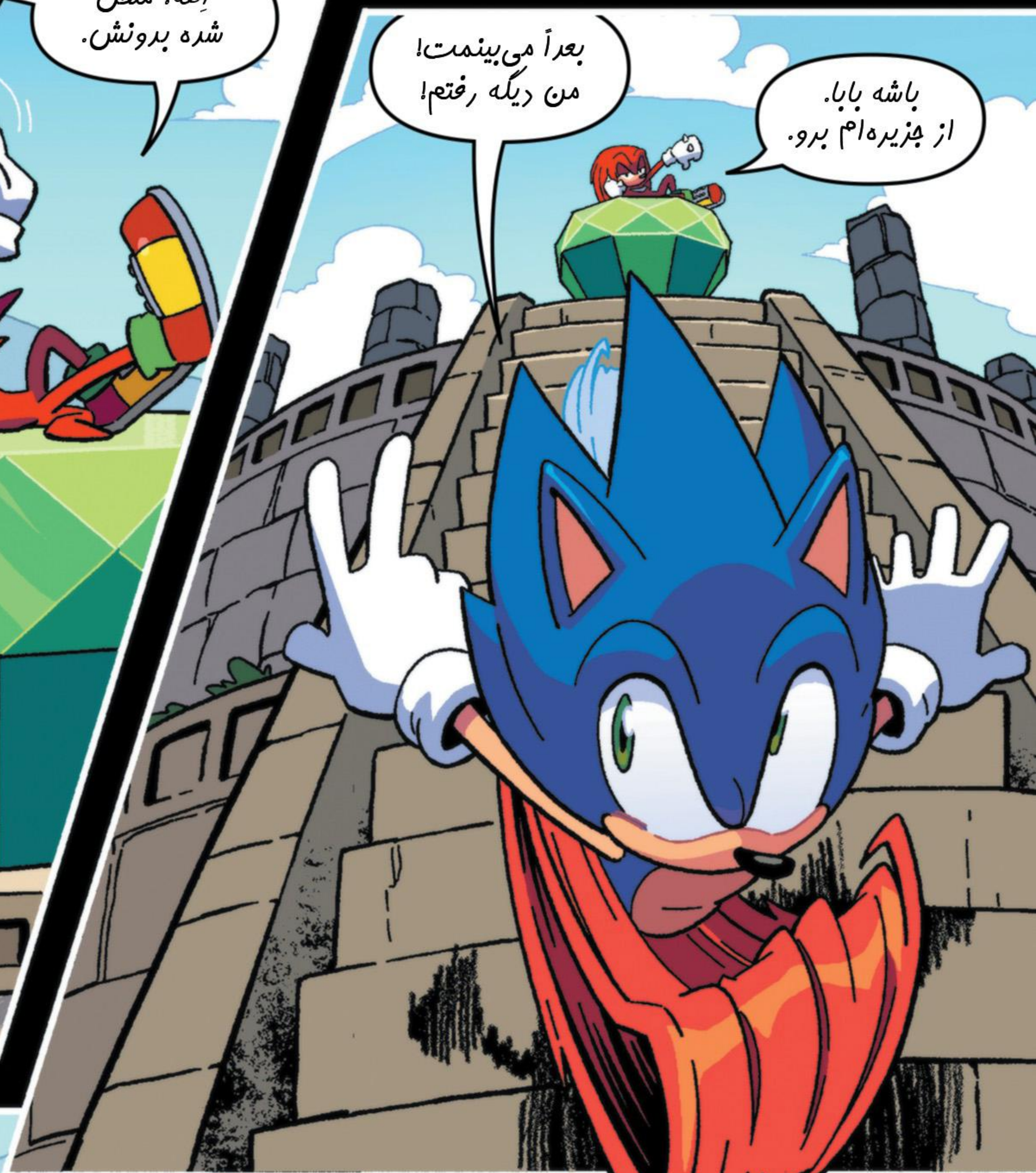
ممنون.

آه یه موقع
خیلی دلت گرفت این
بالا، بهمون یه خبر
بره.

پففف. باز
شما یه دردسر
می سازید و خوری میارید
د۴ در فونه۴.

هاا خیلی
حق گفتی.







ایمی! چه کارا می‌کنی؟

دارم به موجودی می‌گیرم از چیزایی که توی ناو مونده.



قدر هیجان انگیز! چیز خوبی پیدا کردی؟

آره! کلی مواد قام اینجاست! این دقیقاً چیزیه که مقاومت نیاز داره تا کمک بشه به کارای بازسازی!

عالیه!



می‌دونم اینجور چیزا حوصله ناکلز رو بدجور سر برده، پس کمون کنم خودم به عهده بگیرم-هاها!

هاها آره... و همینطور چیزای دیگه. ناکس گفت که مقاومت رو منحل می‌کنه.

سوپر!!!!!! اینزا



جری میگی؟

مم- هممم!

باور نکردنیه.



دقیقاً
فانومی که
دنبالش
بودیم!

روز دستمزدا
روز دستمزدا
وییییی!



”روز دستمزدا“
چی؟



پرونده اکمن گمشده
دیگه تموم
شده!

ما فهمیدیم
چه اتفاقی برای
دکتر افتاد، کی نقشش رو
بازی می کرد، و کمک کردیم
مهرم رو شکست بدیم!
پرونده بسته شد!



پاراشمون
بهتره زیاد باشه.

قراره یه غذا
بیرون بر ففن
بگیریم!



من... ولی...
آفه...

اینو می سپارم به خودت،
فانوم مدیر اجرایی
مقاومت.



بفشی از
مقاومت بودن چیزی
به حساب نمیاد؟!



سلام خانوما!
آماره اید که برگردید
فونه؟

آره! نه!
شاید!

خب آره، دلم
برای فونه تنگ شده.
ولی من الان روی یه بهشت
استوایی معلق هستم! من با
یه روبات اژدهایی جنگیدم،
و زنده موندم!

این چند روز
گذشته واقعا دیوونه وار
و باهال بود! فکر نکنم
بتونم برگردم به زندگی
سابقم!



تو چطور،
ویسپر؟ فکر می کنی
دوست جدید پیدا
کردی تو این سفر؟

اوه، اون یه
عجوبست! اون بهم
فندهارترین جوک
رو الان گفت!

پیا دیگه!
بلو بهش!
می دونی که،
همونی که درباره
تستر بود؟



مگه چی
گفتم؟

فقط یکم بزار
تو فلوت خودت باشه!
شرمنده، ویسپر!
بعد می بینمتون!



تو مطمئنی؟

بله. این برای صلاح همست.

هی بچه‌ها! الاناست که دیکه راه بیفتیم بریم.



با این حال، فکر کنم بتونی از زمردهای سل استفاده کنی تا از هرپایی به فونه‌ات برگردی، بلیز.

و سیلور می‌تونه برگرده به آینده... همونجوری که خودش انجام میدره.



حق با توه. کارم اینجا تمومه، و زمردهای سل باید برگردونده بشن. البته منتظرم اول همه به فونه‌هاشون برگردن.

من می‌مونم. یه مس‌بدی دارم که آینده‌ای که ازش فرار کردم ممکنه هنوز اتفاق بیفته.*

فکر نکنم تودید واقعی گذشته باشه هنوز.

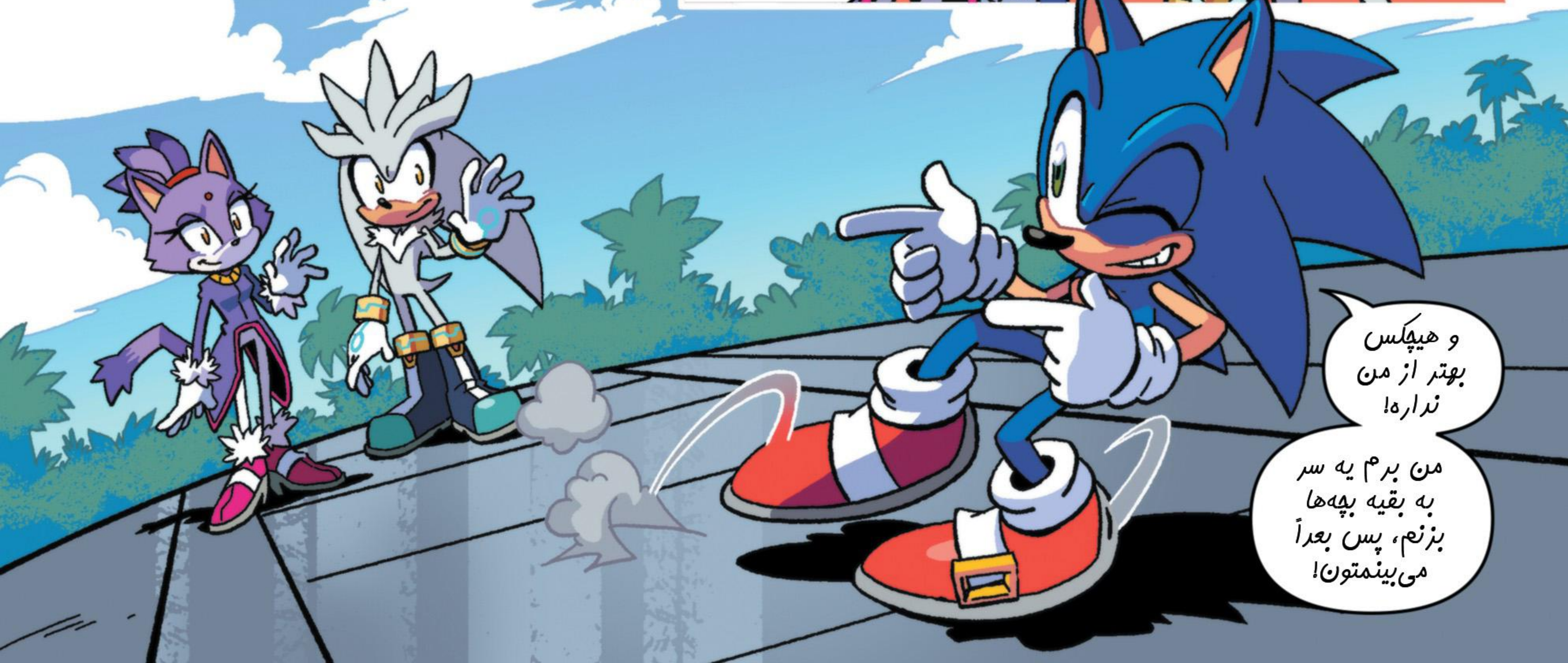
*جلد ۸#



مرد-اینقدر فیلم ترسناکش نکن بابا! اینجوری بیشتر هم رو می‌بینیم! این عالی‌ه!

فب... گمون کنم آکه باید دید مثبتی بهوش داشته باشی...

هه... اون همیشه داره.



و هیپکس بهتر از من نداره!

من بر ۳ یه سر به بقیه بچه‌ها بزنم، پس بعداً می‌بینمتون!

اون صندلی رو از کجا پیدا کردیش؟



وسایل شفصی اکمن. با خودم گفتم، "پرا همینپوری بزارمش بره؟"

ولی... اکمن اصلاً صبیح، کی بیرون میره؟

نزار شکم گنده اش گولت بزنه.

اون در واقع یه برنامه و رژیم هوازی دقیق داشت.

هاه. فکر میکنی طرفو خوب می شناسیش...

بازم برمی گردی تو کار هاسوسی وقتی برگشتیم فونه؟

من یه دفتر با هزار و یه هنرم. من الان گزینه هام رو برای انتخاب نگه می دارم، و از این منظره ی استوایی لذت می برم...

...و یه دید کامل دارم از زمرد بزرگ.

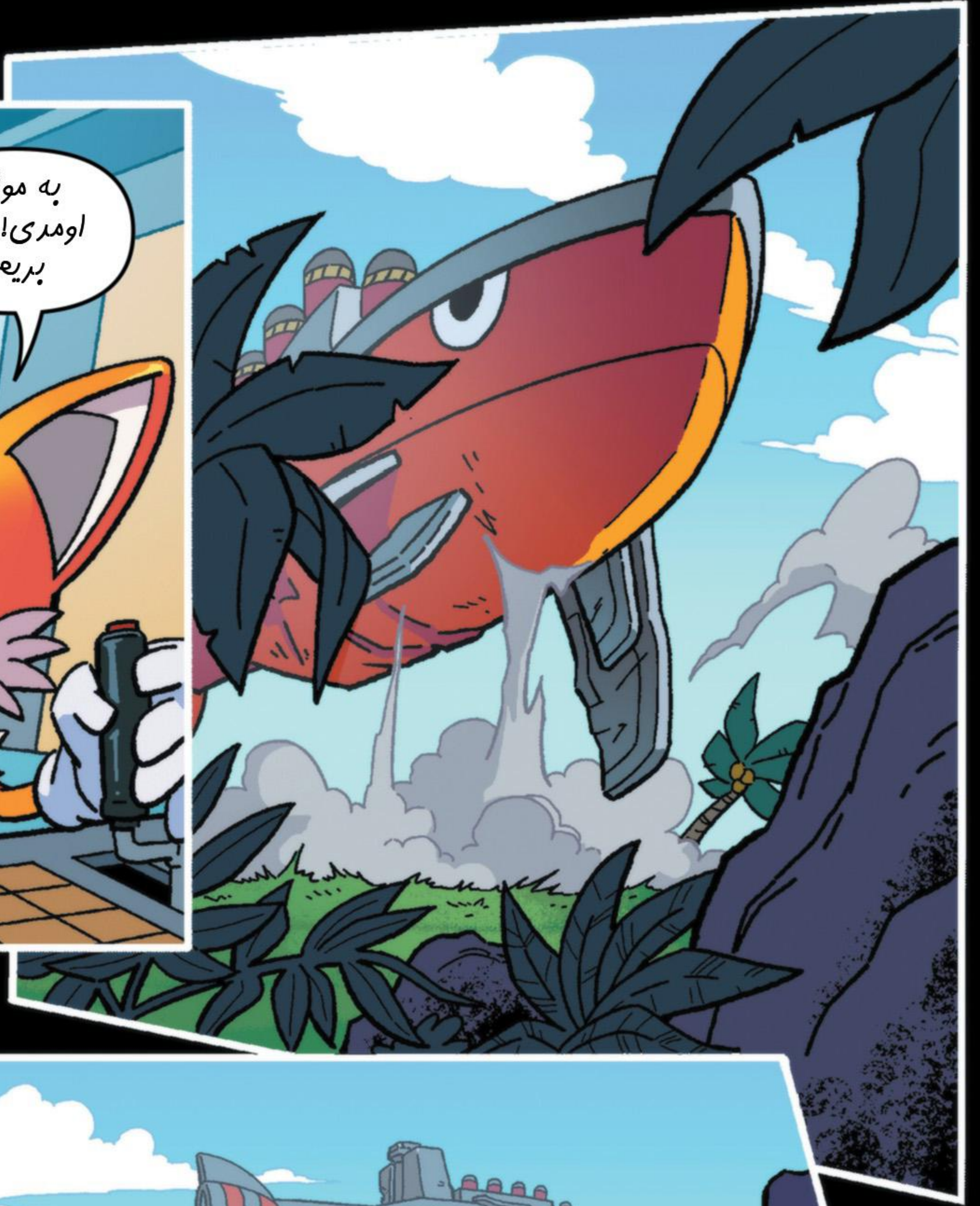
فب، تشکر م رو بهشون برسون. شرط می بندم قبل از من می بینیش.

اینکه

بطوری وقتت رو میگذرونی با اذیت کردن تاکنز مربوط به خودته. هرس می زنم شدو تا الان رفته؟

اون بدتر از چیزی که میگی هست. ولی بله، اون رفته، دیگه هم پشت سرش رو نمی بینه.

هاا نه که فیلی هرف من رو هم گوش میده. ولی آله دیدمش بوش میکم.



در جایی دیگر...

پس پیودیتایی
که متال سونیک کپی کرد از
سونیک و شدو فراب بودن؟ چه
تأسف آور. شاید شما بتونید
بازسازی کنید...؟

نه، دیگه
گذشته. نئو کارش رو
خوب انجام دار، با توجه
به نبود هدایت استادانه ام،
ولی دیگه تمومه.



این یعنی
نقشه پردی
در ذهن
دارید؟

برای همین که من
تو رو مسئول قرار میدم که
هواس سونیک رو پرت کنی
تا وقتی آماده میشم!

۱-البته، قربان!
باعث افتخارمه! من
دقیقاً می‌دونم چطوری
بذبحش کنم به یه
شیفون!

معلومه!
همیشه داریم.
ولی به زمان نیاز
داره تا آماده و
آزمایش کنم.



این یه چور
شوخی مسخره
هستش؟

پطوری آفه
قراره از همپین
سلاح‌هایی استغاره
بنئیم؟



اوه! این حالا
فیلی قابل فوم
-تر هست!

دل تو دلم
نیست ازش
استغاره کنم!

من نمودارها رو
به فایل انتقال
دادم همونطور که
درخواست کردید،
قربان.

ننما مطمئنید
واقماً می‌خواید
اون رو رها کنید
تو دنیا؟



اوه،
بله! بله
البته!

فیلی رنج کشیدم
از این عقارت توی
عقب نشینی قبلیم. حالا
دنیا قداره رنج بکشه
در عوض.

قسمت بعد
سوپرک عالیه
راف و تامپل -
دور دوم!